

۲۹ سال از اعلام تعطیلی حزب جمهوری اسلامی می‌گذرد.^[۱] حزبی که شاید بتوان گفت تنها تجربه جدی یک حزب سراسری در دوران پس از پیروزی انقلاب است. پیش از آن «حزب توده ایران»، شاخص‌ترین تجربه حزبی ایرانیان بود که به‌دلایلی^[۲]، جایگاهی «پریا» و «گسترده» در فضای سیاسی و اجتماعی کشور از خود بر جای گذاشت. پس از تعطیلی حزب جمهوری اسلامی هم به تناسب رقابت‌های سیاسی و اختلاف نظرهای جناحی، برخی احزاب ریز و درشت –بویژه با اهداف انتخاباتی – در کشور تأسیس شده‌اند. با نگاهی اجمالی به فلسفه تأسیس و عملکرد این احزاب به نظر می‌رسد هیچ یک نتوانسته‌اند مبانی و چارچوب شکل‌گیری یک حزب قدرتمند، انقلابی و یاریگر مردم و انقلاب را پایه‌ریزی کنند. از ایسن رو این دغدغه قابل طرح است که تحزب به آن معنایی که رهبر انقلاب در کارنامه عمل سیاسی ۵۰ ساله خود تجربه یا تبیین کرده‌اند، تاکنون شکل نگرفته‌است و بهترین پاسخ برای این دغدغه، طرح این پرسش است: اساساً این نوع کار حزبی، چه خصوصیات و پایداه و نپایدایی دارد؟ حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نقش مهمی در حزب جمهوری داشتند. از همان ابتدا جزو مؤسسان حزب قرار گرفتند و پس از تأسیس، تا پیش از شهادت آیت‌الله بهشتی که نخستین دبیر کل حزب بود، ایشان به‌عنوان معاون امور تبلیغاتی، فرهنگی و سخنگوی حزب فعالیت می‌کردند. پس از واقعه هفتم تیر، ایشان به دبیر کلی حزب انتخاب شدند و تا پایان عمر حزب در این سمت باقی ماندند. از سوی دیگر در بعد تنور یک هم، دیدگاه‌های ایشان در کنار دیدگاه‌های افراد شاخص دیگر حزب، راهنمای فکر و عمل اعضا بود که گاه در قالب جزوه‌ها و گاه هم سخنرانی در اختیار مخاطبان قرار می‌گرفت.

- حزب: آری اما با یک قرائت ویژه**

مقوله تحزب یکی از دغدغه‌های همیشگی رهبر انقلاب بوده است.^[۳] در یک تقسیم‌بندی ناآهوشته، ایشان در سلک علمایی قرار می‌گیرند که تفکر حزبی را –البته با قرائتی که در ادامه خواهد آمد– قابل جمع با آرای امام خمینی رحمةالله علیه و مجموعه مبانی انقلاب می‌دانند. جدا از اینکه این تفکر، وجود احزاب گوناگون در فضای سیاسی کشور را براساس موازین قانون اساسی و در چارچوب آن به رسمیت می‌شناسد^[۴]، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، دیدگاه حزبی ویژه‌ای هم برای سازمان‌دهی گریزهای انقلابی برای فعالیت در عرصه‌های گوناگون کشور دارند؛ دیدگاهی که براساس آن، حزب «عبارت است از یک تشکیلاتی که نقش راهنمایی و هدایت آحاد مردم را به سمت یک آرمان‌هایی ایفا می‌کند»^[۵]

چنین تعبیری از حزب همان چیزی است که بنیاد حزب جمهوری بر آن پایه شکل گرفت اما اقلت بعدی که بر این مجموعه شند، آن را عملاً از یک مجموعه اثرگذار به کانونی برای جنجال‌ها و اختلاف‌ها تبدیل کرد. با این حال، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سراسر دوران پس از تعطیلی حزب، همچنان کار حزبی را یکی از ضرورت‌ها می‌دانند؛ بویژه نیروهایی که دل در گرو اهداف انقلاب دارند برای تحقق این اهداف قطعاً باید به کوشش‌های صحیح حزبی روی بیاورند.^[۶]

- سلب و ایجاب حزب**

پایان ناخوش حزب جمهوری، هیچ‌گاه در منظومه فکری رهبر انقلاب تغییری ایجاد نکرد و همچنان در این باره صحبت کردند. از این رو، ایشان با حفظ تأکید بر ضرورت کار حزبی، در سخنانی که طی سال‌های بعد فرمودند، از یکسو اقات کار حزبی در ایران و جهان را به‌عنوان یک



گزارشی از حزب مطلوب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

«اینگونه» باید کار حزبی کرد!

«تجربه سلبی» و از سسوی دیگر ویژگی‌های کار

حزبی مطلوب را به‌عنوان یک «الگوی ایجابی» مطرح کردند. سخنانی که تاکنون برای بخش نخست آن نمونه‌های زیادی را می‌شناسیم اما برای بخش دوم آن هنوز سعی بلیغ و پرده‌نمای نشده است.^[۷]

- تجربه‌ای که نباید تکرار شود**

احزابی که در دنیا و اغلب فعالیت‌های حزبی در ایران تجربه شده‌اند، عمدتاً با هدف قدرت‌یابی تشکیل شدند. این مساله، مبتنی است بر توصیه و تحلیل علم سیاست و جامعه‌شناسی سیاسی مدرن از مقوله حزب؛ بر این اساس حزب، نهادی است که با هدف «کسب قدرت» تشکیل شده و همه فعالیت‌های یک حزب برای تحقق این هدف تنظیم می‌شود. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای «حزاب کنونی غربی به معنای باشگاه‌هایی برای کسب قدرت است؛ اصلاً حزب یعنی مجموعه‌ای برای کسب قدرت» و در این راستا تمام ابزارها و فعالیت‌ها تمهیدی برای کسب قدرت است؛ از عضوگیری و تشکیل جلسات عادی حزبی و تبلیغی تا «پرووی، پشت هم‌اندازی، پولداری، داشتن پشتوانه‌های صهیونیستی، خوش‌قیافه‌وخوش‌شکل و خوش‌صحبت بودن و احیاناً یک همسر فعال و جذاب داشتن»^[۸]

نتیجه چنین رویکردی به حزب این است که «مردم یا گروه‌هایی از مردم را به این طرف و آن طرف بکشانند و مرتب دعوا و اختلاف راه بیندازند و برای اینکه بیکار نمانند، یک مساله کوچک را بزرگ کنند؛ یک چیز کم‌اهمیت را پراهمیت جلوه دهند و روزها و هفته‌ها درباره‌اش بحث و تحلیل کنند؛ براساس آن، دوست و دشمن معین کنند؛ فلان کس، فلان طرفی است، پس دشمن است؛ فلان کس، فلان طرفی است، پس دوست است»^[۹] حضرت آیت‌الله خامنه‌ای صریحاً چنین رویکردی را سودمند نمی‌دانند: «بنده اینها را تحزب نمی‌انم.



این مورد تأیید است. میدان باز است؛ هر کس می‌خواهد بکند، بکند»^[۱۰]

منبع

۱– یکی از اسناد مهم درباره علل تعطیلی حزب، نامه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و دیگر مسئولان حزب به حضرت امام خمینی رحمةالله علیه در تاریخ ۱۱ خرداد ۱۳۶۶ است که در آن ضمن تبیین این علل، خواستار موافقت امام برای تعطیلی حزب شده‌اند. نگاه کنید به صحیفه نور، ج ۲۰، صص ۲۷۵ و ۲۷۶

۲– «به نظر من، دبرپایی حزب توده در کشور ما و گسترش تشکیلاتش که خیلی وسیع و بدون سروصدا بود، عامل داشت؛ یکی همان مساله سازماندهی بود که آنها یک استاندارد جهانی داشتند. همه جا آن سازماندهی از پیش آماده شده، بدون هیچ زحمتی داده و پیاده می‌شد. یکی هم ادبیات قوی آنها بود». /بیانات در دیدار اعضای مجمع نویسندگان مسلمان، ۷/۴/۱۴

۳– «به طور اجمال بگویم ما با تحزب مطلقاً مخالف نیستیم. اینکه خیال کنند ما با حزب و تحزب مخالفیم، نه! اینطور نیست». /بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۹۰/۷/۲۴

۴– «حالا اینکه ما با احزاب مخالف و موافق چگونه رفتار کنیم؛ آزاد باشند، نباشند؛ اینها بحث‌های دیگری است که عرض کردم مرجعش قانون است». بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با مدیران مسؤول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۷/۱۲/۴

۵– بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۹۰/۷/۲۴
۶– «جامعه ما، یک جامعه بی‌حزب است. البته از جهاتی حسن است ولی عیب هم دارد. وجود حزب در یک جامعه، باعث می‌شود خلأهای ذهنی عده‌ای از مردم پر شود». بیانات در دیدار مدیران و مسؤولان بخش‌های خبری صدا و سیما، ۶۹/۱۲/۱۲

۷– «عدا از حزب جمهوری اسلامی»–که ما تعطیلش کردیم– دیگر چنین چیزی را به این شکل من سراغ ندارم». بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با مدیران مسؤول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۷/۱۲/۴

۸– بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با مدیران مسؤول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۷/۱۲/۴

۹– بیانات در دیدار جوانان استان اصفهان، ۸۰/۸/۱۲

۱۰– همان

۱۱– همان

۱۲– بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسؤول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۷/۱۲/۴

۱۳– همان

۱۴– چنانکه رهبر انقلاب در دیدار اعضای صداوسیما –که یک حزب نیست– همین الگورا مطرح می‌کنند: «در حقیقت، حزب یک کانال کشی برای رساندن خوراک فکری لازم به ذهن‌های عده‌ای از مردم است که در حزیند. ما این را در جامعه‌مان نداریم؛ یک خلأ است. این خلأ را شما باید پر کنید. نه اینکه شما حزب درست کنید؛ حزب همین است. ما حزبی به نام تلویزیون و رادیو داریم که در هر خانه‌ای هم شعبه‌ای دارد. سعی کنید خوراک فکری سیاسی مردم را در هر هفته، بلکه در هر روز، به همین منظور و با همین توجه که عده‌ای را می‌خواهید از لحاظ سیاسی تجهیز و توسعه کنید، بدهید یا برسانید». بیانات در دیدار مسؤولان بخش‌های خبری صداوسیما، ۶۹/۱۲/۲۱

۱۵– بیانات در جلسه پرسش و پاسخ مدیران مسؤول و سردبیران نشریات دانشجویی، ۷/۱۲/۴

۱۶– همان

۱۷– همان

۱۸– بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه، ۷/۱۲/۲۴

۱۹– همان

منبع: دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای

تعامل و… لحاظ شود و مرزها تا جایی که تخطی از چارچوب‌های الهی به حساب نیاید، باز باشد. برای جلب توجه و علاقه کودک، باید وارد دنیای او شویم و کودکی کنیم.

اصل۵– احترام و تکریم: بارها شنیده یا خوانده‌ایم که پیامبر اکرم(ص) احترام خاصی برای حسنین مسجد رفتن، کودک را قرآنی و مسجدی نمی‌کند. حقیقت تربیت فراتر از اینهاست و نیاز به خودسازی، فراگیری مهارت‌ها، صبر و حوصله بسیار دارد. اصل ۳– پرهیز از اقدامات ناشیانه: گاهی اوقات، وقتی به حقیقت تربیت واقف نیستیم، بهتر است هیچ اقدامی نکنیم! اگر بتوانیم جلوی روش‌های غلط تربیتی را بگیریم به تربیت کودک کمک قابل توجهی کرده‌ایم. با نگفتن برخی حرف‌ها و انجام ندادن برخی رفتارها و اعمال، روند تربیت بهتر می‌شود؛ این «عادت دادن» و «رونی کردن»، «ترحم کردن» و «احترام گذاشتن»، «دینی کردن» و «دینسی نشدن» و «اطلاعات دادن» و «ایجاد معرفت» تفاوت زیادی وجود دارد.

اصل۴– هم‌زمانی و تشابه: در قرآن آمده است که هر پیامبری برای آنکه بتواند حقایق را آشکار کند، باید به زبان قوم خود سخن بگوید. همین مساله درباره تربیت نیز مصداق پیدا می‌کند. یک اصل تربیتی وجود دارد که می‌گوید: «از آنجایی که او دوست دارد شروع کن تا به آنجایی که تو می‌خواهی برسد». قرار نیست والدین یا مربیان در نقش آموزگاران سنگتیسر و غیرقابل انعطاف فرو بروند. ما معمولاً با کسانی ارتباط برقرار می‌کنیم که بیشترین سنخیت را با آنها احساس کنیم. در بحث تربیت باید انعطاف لازم به لحاظ پوشش، نحوه گفت‌وگو و

ارتباطی میان مردم و حاکمان را کاهش می‌دهد و در عرصه‌های گوناگون کمک می‌کند که همسویی و هم‌افزایی برای تحقق اهداف انقلاب میسر شود. بدیهی است نتیجه قهری و تبعی چنین فعالیت و ارتباطی این است که تصاحب کرسی‌های قدرت هم ممکن می‌شود. «در تحزب باید کسب قدرت مورد نظر نباشد. اگر چه کسب قدرت برای یک حزب موفق یک امر قهری است»^[۱۱] چرا که چنین ساختار حزبی‌ای، به علاوه وجود افراد «بافکرتر و زده‌تر و خوشفکرت‌تر»^[۱۲] نسبت به دیگر احزاب، نظر افراد بیشتری از مردم را با خود همراه خواهد کرد و در نتیجه «وقتی انتخاباتی پیش آمد، تا از طرف مرکزیت این حزب چیزی گفته شد، آن مردم از روی اعتقاد خودشان، طبق آن عمل می‌کنند»^[۱۳]

- همچنان بر همان عقیده: مرد راه کیست؟**

دیدگاه حزبی و تشکیلاتی رهبر انقلاب همچنان بر همین تعریف استوار است. از این رو افرادی که مشتاق تحقق اهداف انقلاب و خدمت به مردم هستند، الگوی مناسبی برای کار تشکیلاتی و حزبی در اختیار دارند. برای کسانی که دیدگاه رهبر انقلاب در این زمینه را دنبال می‌کنند هنوز هم چنین الگویی مفید و ضروری است. الگویی که براساس آن «یک حزب عبارت است از کانال کشی برای هدایت‌های فکری؛ حلا چه فکری به معنای سیاسی، چه فکری به معنای دینی و عقیدتی»^[۱۴] می‌ریزند و این افکار به تکت تک افراد می‌رسد و آن مردمی که اینها را قبول می‌کنند، با اینها پیوند پیدا می‌کنند»^[۱۵]

از این رو این الگو فراتر از رقابت‌های انتخاباتی می‌رود و نه‌تنها محدود به فعالیت‌های حزبی سیاسی نیست، بلکه می‌توان آن را به‌عنوان الگویی برای فعالیت در عرصه‌های مختلف دیگر هم که نیازمند کانال کشی میان نخبگان و مردم است به کار برد.^[۱۶] چنین الگویی به بهترین شکل خلأ را سوزمند نمی‌دانند: «بنده اینها را تحزب نمی‌انم. ■ ■ ■

تربیت دینی؛ تعریف، اصول و مراحل

دینی، به مفهوم ارائه مطالب دینی، نصیحت کردن، سرزنش و تنبیه کودک به خاطر لغزش‌های احتمالی نیست. اجبار کودک به حفظ قرآن یا مسجد رفتن، کودک را قرآنی و مسجدی نمی‌کند.

فرآگیری مهارت‌ها، صبر و حوصله بسیار دارد. اصل ۳– پرهیز از اقدامات ناشیانه: گاهی اوقات، وقتی به حقیقت تربیت واقف نیستیم، بهتر است هیچ اقدامی نکنیم! اگر بتوانیم جلوی روش‌های غلط تربیتی را بگیریم به تربیت کودک کمک قابل توجهی کرده‌ایم. با نگفتن برخی حرف‌ها و انجام ندادن برخی رفتارها و اعمال، روند تربیت بهتر می‌شود؛ این «عادت دادن» و «رونی کردن»، «ترحم کردن» و «احترام گذاشتن»، «دینی کردن» و «دینسی نشدن» و «اطلاعات دادن» و «ایجاد معرفت» تفاوت زیادی وجود دارد.

اصل۴– هم‌زمانی و تشابه: در قرآن آمده است که هر پیامبری برای آنکه بتواند حقایق را آشکار کند، باید به زبان قوم خود سخن بگوید. همین مساله درباره تربیت نیز مصداق پیدا می‌کند. یک اصل تربیتی وجود دارد که می‌گوید: «از آنجایی که او دوست دارد شروع کن تا به آنجایی که تو می‌خواهی برسد». قرار نیست والدین یا مربیان در نقش آموزگاران سنگتیسر و غیرقابل انعطاف فرو بروند. ما معمولاً با کسانی ارتباط برقرار می‌کنیم که بیشترین سنخیت را با آنها احساس کنیم. در بحث تربیت باید انعطاف لازم به لحاظ پوشش، نحوه گفت‌وگو و

اشاره

رنالیسم تهاجمی و رویه تهاجمی

ژنرال در مقابل آل خلیفه

سعید ملکی: همان طور که می‌دانیم سردار سرلشکر قاسم سلیمانی چندی پیش بیانیه‌ای را خطاب به خاندان خلیفه، حاکمان کنونی بحرین، منتشر کرد. شاید در تمام اظهاراتی که تاکنون از سردار قاسم سلیمانی منتشر شده، هیچ‌یک همچون این بیانیه صریح نباشد. اگرچه بیانیه بسیار کوتاه بود اما نکات مهمی را در خود داشت. مظلومیت مردم بحرین، اقدامات «ژادپرستانه آل خلیفه»، «شکنجه خوفناک» مردم، «لغو تابعیت شهروندان» و «بارداشت غیرقانونی حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ علی سلیمان» از جمله اتهاماتی است که در این بیانیه، سرلشکر قاسم سلیمانی به حاکمان بحرین وارد می‌کند. با همه این احوال، ذکر این اتهامات مقدمه‌ای است بر خطوط اصلی بیانیه وی خطاب به آل خلیفه: «فینا آنها می‌دند تجاوز به حریم آیت‌الله شیخ عیسی قاسم خط قرمزی است که عبور از آن شعله‌ای از آتش را در بحرین و سراسر منطقه پدید خواهد آورد و برای مردم راهی جز مقاومت مسلحانه باقی نخواهد گذاشت… استمرار فشارهای بیش از حد به مردم بحرین، سرآغاز انتفاضه خونینی است که عواقب آن به عهده کسانی خواهد بود که به گستاخی حکام بحرین مشروعبیت می‌دهند». یک: عبارات آخر جملات ذکرشده حکومت‌هایی چون آل‌سعود را خطاب قرار می‌دهد اما در کنار آل خلیفه و آل‌سعود، بیانیه به شکل تلویحی برخی حامیان بین‌المللی این رژیم‌های سفاک را نیز مخاطب قرار داده است: «گستاخی آل خلیفه به جایی رسیده است که … با استفاده از سکوت معنادار سازمان ملل، آمریکا و کشورهای غربی هر روز بر دامنه جنایات خود و ایجاد خفقان … افزوده است». بیانیه ژنرال سلیمانی خطاب به آل خلیفه را از ۲ منظر می‌توان مورد توجه قرار داد. اول، از منظر انسانی و حقوق بشر که از قضا در اینجاست که کنایه سردار به نهادهای بین‌المللی و کشورهای داعیه‌دار حقوق بشرر معنا می‌یابد. سیاهه‌ای از اتهاماتی که سردار خطاب به آل خلیفه برمی‌شمارد نیز می‌تواند دربردارنده اهمیت حقوق انسانی و شهروندی و به تصویر کشیدن رویکرد متناقض قدرت‌های بزرگ و نهادهای بین‌المللی در این زمینه باشد.

دو: دومین منطری که می‌تواند در بررسی بیانیه سردار سلیمانی دارای اهمیت باشد، تحلیل این بیانیه بر پایه سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. می‌دانیم کشور بحرین، از ترکیب جمعیتی شیعه و سنی تشکیل شده‌است اما بخش عمده جمعیت این کشور را شیعیان تشکیل می‌دهند. با توجه به رویکردها و آرمان‌هایی که شیعیان از منظر منطقه‌ای و جهانی مدنظر داشته و دارند، استعمار و امپریالیسم جهانی خاندانی را بر این کشور حاکم کرد که جدا از آنکه از میان شیعیان نیست، از مرزتجان جهان عرب نیز هست. پیوندهای این خاندان با خاندان مرتجع سعود بخوبی می‌تواند بخشی از رویکردهای جزم‌گرای حاکمان بحرین را در عرصه‌های سیاست داخلی و خارجی نشان دهد. اگرچه هنوز قیام مردم بحرین از اساس نابود نشده‌است اما بیانیه سردار سلیمانی به مثابه یک حرکت رو به جلو و گامی پیش‌دستانه است که می‌تواند بیانگر گوشزد کردن منافع منطقه‌ای جمهوری اسلامی و گستره نفوذ ایران باشد. بیانیه مهم سردار سلیمانی را می‌توان با برخی مولفه‌های «نالیسم تهاجمی» مورد بررسی قرار داد. از منظر این

نظریه حتی لغو تابعیت یک شهروند در کشوری دیگر می‌تواند بر امنیت و میزان قدرت کشوری دیگر در منطقه اثر بگذارد. نکته‌ای دیگر که رنالیست‌های تهاجمی مورد توجه قرار می‌دهند این است که یک دولت باید «نالیست تهاجمی خوب باشد» نکته‌ای که به طور ویژه مورد تأکید «جان می‌رشایمیر» قرار می‌گیرد. در این میان بیانیه سردار قاسم سلیمانی می‌تواند مصداقی برای این امر باشد. بویژه آنکه سردار با توجه به میزان نفوذ غیرمادی جمهوری اسلامی در میان شیعیان بحرین و آگاهی از این نکته که خاندان حاکم بر بحرین از این نفوذ آگاهند، آل خلیفه را از «مظلومت مسلمانحه» مردم بحرین بی‌م‌داد. تأکید سردار سلیمانی بر سکوت معنادار نهادهای بین‌المللی اگرچه به چالش کشیدن رویکرد متناقض مدعیان حقوق بشر است اما در عین حال بیانگر اهمیت کم این نهادها در عرصه بین‌المللی نیز هست؛ امری که رنالیست‌های تهاجمی بر آن تأکیدوافر دارند. رویکرد تهاجمی این بیانیه نشان از ناهمی مدلومی دارد که به طور ویژه محیط جمهوری اسلامی را تهدید می‌کند و تنها راه مقابله با آن رویه پیش‌دستانه و اقدامات عاجل است. امری که در بندند بیانیه فرمانده محترم قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مورد توجه قرار گرفت. آنچه مسلم است اینکه منافع جمهوری اسلامی با خاندان آل خلیفه قابل جمع نیست؛ در این فضا تنها راه‌حل ممکن اقداماتی است که رفتار سیاسی جریان‌های مرتجع را از «بازیگرانی کنش‌ورز» به «بازیگرانی واکنش‌دهنده» تقلیل دهد.